تفاوت مثال تلف سماوی ماشین و باغ

شاگرد۳: در فرمایش شما رجوع از استان بود؟

استاد: من عرض کردم که استان، مطلب مهم و غامضی است و بعداً هم شما هم در فقه می‌توانید آن را گسترده کنید؛ خود همین هوش مصنوعی که بحث می‌کنیم، اگر بعداً به کار گرفته شود، در مثال‌ها و اطلاعاتی که دارد، در اینکه ما استان را به‌عنوان یک عنصری بین تقصیری و ایجاد بپذیریم یا نه، خیلی می‌تواند کمک کند. مثال‌ها مهم است. و بعد اینکه آیا مبنای ضمان، فقط استان است، یا من و ما مواردی داریم که ایجاد نیست، استان هم نیست، تقصیری هم نیست ولی ضمان هست. مثل همین تلف سماوی عین موجود در دست تعاقب ایدی که شما می‌گویید مالک از او بدلش را می‌گیرد؛ از آخری که جاهل هم بود، از او می‌گیرد اما نه تقصیری بود، نه استان بود. البته استانٌماًیی هست اما توجیه‌ش را بعداً مطرح می‌کنیم.

شاگرد۸: در تلف سماوی استانٌماًئی هست؟

استاد: لذا من بین باغ و ماشین فرق گذاشتم. در ماشین استانٌماً هست. ماشین را سوار شده و به جایی برده که رعد و برق زده. اما در باغ، این دوباره ضعیف می‌شود. چون باغ که مال مالک بوده و سر جایش بوده است و اگر در دست مالک هم بود، رعد و برق می‌زد و از بین می‌رفت و قرار نیست که او کاری کرده باشد. یعنی در باغ اصلاً استان به او نیست، ولو استانٌماً.

شاگرد۳: در باغ این استانٌماً هست. چون - ولو در فضای قراردادی خودشان که بعداً معلوم شده باطل است - در حیطه ملک این شخص آمده است.

استاد: این ابرها هم با او ضد بودند! رعد و برق زد و باغ را از بین برد! ای سیل آمد.

شاگرد۳: نه اینکه بگوید این کار را تو کردی، بلکه در حدی که در فضای حقوقی برعهده او بگذارند.

بازبینی #2
ایجاد شده 21 اوت 2025 14:23:36 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 اوت 2025 14:36:18 توسط ... .